

دین و زندگی ۳

قدرت پرواز / ۲ از ۳

زمینه‌ساز شکوفایی اختیار، قانونمندی جهان است.

✦ خداوند، قدرت اختیار و اراده به ما عطا کرده و از ما خواسته است با استفاده از آن، برای زندگی خود برنامه‌ریزی کنیم و در مسیر رشد و کمال تا آن‌جا پیش برویم که جز خداوند کسی به عظمت آن آگاه نیست.

✦ «قَدَر» و «قَدْر» به معنای «اندازه» و «تقدیر» به معنای اندازه گرفتن است.

✦ قضا نیز به معنای «انجام رساندن»، «پایان دادن»، «حکم کردن» و «حتمیت بخشیدن» است.

✦ مخلوقات جهان، از آن جهت که خدای متعال با علم خود، اندازه، حدود، ویژگی، موقعیت مکانی و زمانی آن‌ها را تبیین می‌کند، به تقدیر الهی وابسته هستند (مُقَدَّر به تقدیر الهی).

✦ مخلوقات جهان از آن جهت که با فرمان و حکم و اراده الهی ایجاد می‌شوند، به قضای الهی وابسته‌اند، (مَقْضی به قضای الهی).

✦ وقتی می‌گوییم قدر و قضای الهی بر جهان حاکم است به این معناست که نقشه جهان با همه موجودات و ریزه‌کاری‌ها ویژگی و قانون‌هایش از آن خدا و از علم خداست (قدر) و اجراء و پیاده کردن آن نیز به اراده خداست (قضا).

- ◆ نه در نقشه جهان (قدر) نقصی هست و نه در اجراء و پیاده کردن (قضا).
- ◆ اگر وضع جهان تحت نظام قدر و قضای الهی قرار نداشت یعنی قانونمند نود نمی‌توانستیم دست به انتخاب زده و در این جهان فعالیت و کار کنیم.
- ◆ فقط با زندگی در یک جهان قانونمند است که امکان بهره‌مندی از اختیار و انتخاب وجود دارد زیرا اگر وقایع جهان قانونمند نبود و همه چیز اتفاقی رخ می‌داد (هرج و مرج) انسان نمی‌دانست باید دست به چه انتخابی بزند.
- ◆ آبی که برای رفع تشنگی می‌نوشیم به سبب اعتماد به همین تقدیر و قضاست یعنی می‌دانیم که خداوند آب را با این ویژگی‌ها آفریده که سبب رفع تشنگی می‌شود.
- ◆ **پندارهای غلط درباره قدر و قضای الهی:** 1- ناسازگار بودن با قدر و قضای الهی 2- تقدیر، چیزی غیر از قانونمندی جهان و نظم در آن است 3- قدر و قضای الهی هر قانونی لغو و هر نظمی را بر هم می‌زند.
- ◆ **اعتقاد درست درباره قدر و قضای الهی:** 1- هر چیزی مهندسی و قاعده خود را دارد و تمام جهان براساس قواعدی بنا شده و این قواعد، توسط انسان قابل یافتن و بهره‌گیری است 2- بدون قدر و قضای الهی هیچ نظمی برقرار نمی‌شود و هیچ زمینه‌ای برای کار اختیاری پدید نمی‌آید.
- ◆ امیر مؤمنان در پاسخ یکی از یاران که پرسیده بود: یا امیرالمؤمنین آیا از قضای الهی می‌گریزی، پاسخ داد: «از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم».

◆ برداشت نابجای آن شخص از قضا و قدر الهی این بود که: 1- ما هیچ اختیاری در تبیین سرنوشت خود نداریم و اگر قرار باشد دیوار بر سرمان خراب شود حتماً این اتفاق خواهد افتاد و ما نمی‌توانیم تغییری در آن ایجاد کنیم 2- حرکت و تغییر مکان و تصمیم‌گیری بر اساس دستور عقل بی‌فایده است.

◆ امیرالمؤمنین با رفتار و سپس گفتار خود نگرش صحیح خود را از قضا و قدر نشان داد که اعتقاد به قدر و قضا، نه تنها مانع تحرک و عمل انسان نیست بلکه عامل و زمینه‌ساز است.

◆ فرو ریختن دیوار سست و کج یک قضای الهی است که متناسب با ویژگی و تقدیر خاص آن دیوار یعنی سستی و کجی آن است.

◆ هرکس این دو تقدیر (کجی و سستی و محکمی) و این دو قضا (ریختن یا نریختن دیوار) را بشناسد تصمیم می‌گیرد و دست به انتخاب مناسب‌تر می‌زند.

◆ اختیار انسان یک تقدیر الهی است.

◆ ساده‌ترین و آشکارترین تقدیرها: طول یا عرض، حجم، مکان و زمان یک موجود.

◆ تقدیر شامل همه ویژگی‌ها، کیفیت‌ها و کلیه روابط میان موجودات می‌شود مانند: آب در چه درجه‌ای به جوش می‌آید، تعداد الکترون‌های هر

دین و زندگی ۳

عنصر چه تعداد است، ماه در کدام مدار دور زمین گردش کند، بدن از چه اعضای تشکیل شود و هر عضوی کدام کار را انجام دهد.

◇ یکی از تقدیرات الهی برای انسان این است که او دارای اختیار است، همان‌طور مثلاً به آب ویژگی مایع بودن را داده است و ویژگی مختار بودن را به انسان عطا کرده است.

◇ کسی نمی‌تواند از اختیار که ویژگی ذاتی اوست، فرار کند (خروج از تقدیر ناممکن است).

مدرسه مجازی آینو